



**طمع، اعتماد  
و ساده لوحی، سه  
ضلع مثلثی است که  
کاربران را در فضای  
مجازی دچار مشکل و  
دردسر می کند، چراکه  
هویت ها در فضای  
مجازی می تواند واقعی  
نباشد و برخی مجرمان  
سایبری برای رسیدن  
به اهداف پلید خود  
از هویت های جعلی  
و تبلیغات دروغین  
استفاده می کنند**



## کلاهبرداری مجرم حرفه ای از ۴ دختر به بهانه سرمایه گذاری

# دامی برای دختران دم بخت

حرفه ای شدند که با استفاده از همین شگرد اقدام به کلاهبرداری از زنان کرده بود.

در ادامه، کارآگاهان یکی از مرتبطان متهم به نام اکرم را به پایگاه یکم پلیس آگاهی دعوت کردند و از او در مورد نحوه آشنایی اش با سیامک بازجویی کردند. اما او در بازجویی ها مدعی شد شناختش از سیامک در حد همان چیزهایی است که پروانه اعلام کرده است. او هم مدتی با سیامک رابطه داشت، اما وقتی سیامک از او درخواست پول کرد، رابطه اش را با مرد کلاهبردار قطع کرده بود.

ماموران با استفاده از روش های کشف جرم، توانستند محل زندگی سیامک را در محدوده منطقه جنت آباد شمالی تهران پیدا کنند و پس از مدت کوتاهی دستور دستگیری متهم از سوی مقام قضایی صادر شد. یکم آبان امسال بود که بالاخره سیامک دستبند فولادی به دست از مخفیگاه خود خارج شد.

سیامک بعد از انتقال به مقر پلیس مورد بازجویی قرار گرفت. او هم مثل بسیاری از متهمان ابتدا از در انکار وارد شد و گفت از هیچ کس کلاهبرداری نکرده است، اما وقتی در برابر شواهد و مدارک غیرقابل انکار پلیس قرار گرفت، تسلیم شد و در اعترافات خود گفت: «از مدت ها پیش با عضویت در سایت های همسریابی و دوست یابی و تهیه یک بیوگرافی ساختگی با موقعیت شغلی و اجتماعی و سوسه انگیز، اعتماد خانم های مجرد را جلب می کردم و با دادن پیشنهادهای مالی آنها را برای خرید ملک، خودرو، دریافت وام و... فریب می دادم. بعد از این که پول به حسابم واریز می کردند، گوشی تلفن خود را خاموش می کردم و دیگر با آن شماره به من دسترسی نداشتند که بتوانند پیدا می کنند.»

در تحقیقات تکمیلی از متهم مشخص شد سیامک بیش از ۳۰۰ میلیون تومان از مالباختگان کلاهبرداری کرده است. به جز پروانه، چهار شاکی دیگر هم به پلیس مراجعه کردند.

می گذشت، ارتباطم با او بیشتر می شد. مدتی بعد، سیامک با من تماس گرفت و گفت می تواند یک واحد مسکونی که متعلق به یکی از بستگانش است با قیمت بسیار پایین تر و به شکل امتیازی برای من خریداری کند. این را که گفت، من هم از خداخواسته معطل نگردم. آپارتمانی که باکلی زحمت توانسته بودم بعد از ۲۷ سال در جنوب تهران خریداری کنم، به پایین ترین قیمت عرف بازار فروختم و پولش را به سیامک دادم تا مرا در سودی که قرار بود نصیبم شود، شریک کند. بعد از واریز پول، رفتار سیامک ناگهان تغییر کرد و آن مردی نبود که من در این مدت شناخته بودم. گوشی تلفن همراهش را خاموش کرد و دیگر هیچ دسترسی ای به او نداشتم.»

در حالی که پروانه نگران از دست دادن کل سرمایه زندگی اش بود، سیامک با زن دیگری آشنا شد و همان حرف هایی را که به پروانه زده بود، به آنها هم می گفت و سرخوش از این که دست پلیس به او نخواهد رسید، مشغول برداشتن کلاه شان بود. پروانه چند بار دیگر با همان شماره ای که از سیامک داشت، تماس گرفت، اما خاموش بود. زن میانسال که دیگر دستش از همه جا کوتاه شده بود، به کلانتری رفت و از سیامک به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد.

با دستور مقام قضایی، شکایت پروانه از سیامک به کارآگاهان پلیس فتای تهران ارجاع شد. کارآگاهان زبده در مرحله اول تحقیقات خود و با توجه به شگرد متهم به بررسی سوابق مجرمان سابقه دار پرداخته و موفق به شناسایی یک سابقه دار

حرص و آز، خط پایانی ندارد. جوانه که بزند، برخی ها تا ته آن می روند که سیر شوند، اما بعضی سیری ناپذیرند، هر چه به دست آورند، باز هم بیشتر می خواهند. زن و مرد هم ندارد و هر دو گرفتار طمع می شوند. پروانه و سیامک، هر دو به خاطر طمع، زندگی شان را مفت و مسلم باختند. یکی مالش و همه آن چیزی که در ۱۷ سال زحمت کشیده بود جمع کند را از دست داد و آن یکی هرچه از راه دزدی به دست آورده بود، یکشبه باخت و چهار دیواری غم زده و خاکستری زندان نصیبش شد.

پروانه زن میانسال و مجردی است که چهار خواهر و برادرش ازدواج کرده اند و با پدر و مادر پیرش زندگی می کند. او در یک مرکز بیمه مشغول به کار بود و درآمد جزئی داشت. بعد از بازنشستگی، با همان درآمد جزئی که بعد از گذشت ۲۷ سال توانسته بود جمع کند، خانه نقلی و جمع و جور در محله ای در جنوب شهر تهران خرید، اما به خاطر طمع، تمام سرمایه اش را به باد داد.

ماجرای آن روزی شروع شد که با سیامک در یکی از شبکه های مجازی آشنا شد. مرد خوش سر و زبانی که به قول پروانه، خیلی زود توانست او را با خود همراه کند. پروانه می گوید: «او آخر خرداد امسال بود که با سیامک آشنا شدم. می گفت دندانپزشک و جراح فک است. موقعیتش خیلی خوب بود و با توجه به این موضوع، به او اعتماد کردم و با او دوست شدم. هرچه

## فضای مجازی، سراب کاربران

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ می گوید: شبکه های اجتماعی صرف نظر از محاسنی که دارد پیامدهای منفی آن در حال افزایش بوده و باعث بروز جرایم جدید و آسیب های زیادی در حوزه فردی و خانوادگی شده است. امروزه بعضی افراد فرصت طلب و سودجو با حضور در شبکه های اجتماعی از اعتماد کاربران سوءاستفاده کرده و با کسب اعتماد آنان و به دست آوردن مدارک کافی، شروع به فریب، سوءاستفاده، تهدید، اخاذی و... از قربانیان خود می کنند. طمع، اعتماد و ساده لوحی سه ضلع مثلثی است که کاربران را در فضای مجازی دچار مشکل و دردسر می کند، چراکه هویت ها در فضای مجازی می تواند واقعی نباشد و برخی مجرمان سایبری برای رسیدن به اهداف پلید خود و کسب مال غیرمشروع، از هویت های جعلی و تبلیغات دروغین استفاده می کنند. به هموطنان و جوانان توصیه می کنیم، اگر قصد ازدواج دارند این موضوع را از طریق خانواده خود دنبال کنند و تجربه نشان داده که دوستی های مجازی که به ازدواج منجر می شود، اغلب پایدار نبوده

و به شکست می رسد. در فضای مجازی افراد اغلب از چهره های غیر واقعی استفاده می کنند و هویت واقعی شان مخفی می ماند. این موضوع باعث شده، برخی از مجرمان به سمت استفاده از این فضا برای رسیدن به هدف های تبهکارانه خود بروند. کاربران شبکه های اجتماعی به خصوص دختران نباید به راحتی به افراد در این فضا اعتماد کرده و اطلاعات شخصی، عکس و فیلم یا پول به آنها بدهند.

